

یکی از موضوعات کلیدی دین ماکه مدام در آیات و روایات به آن گوشزد شده، یاد خداوند بزرگ است. آیات زیادی در قرآن کریم در باب اهمیت و آثار ذکر... وجود دارد. در یکی از این آیات خداوند بزرگ می فرماید: «وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ نَسُوا اللَّهَ فَأَنْسَاهُمْ أَنْفُسَهُمْ أُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ»؛ و همچون کسانی نباشید که خدا را فراموش کردند و خدا نیز آن ها را به «خود فراموشی» گرفتار کرد. آن ها فاسقان هستند. (حشر:۱۹)

در قرآن خطرناک ترین چیز، غفلت بیان شده است که همین غفلت البته عواملی دارد. منافقان در قرآن مصادق بارز افراد غافل معرفی شده اند و بیان شده است که این غفلت تا جایی می رسد که انسان را به رتبه پایین تر از حیوانات می رساند. قرآن می فرماید گروهی از مردم از چهارپایان بدترند، زیرا غافل اند. اولئک کالأنعام بل هم اضل اولئک هم العافلون. بنابراین غفلت از خدا «نَسُوا اللَّهَ». غفلت از قیامت «نَسُوا يَوْمَ الْحِسَابِ» و غفلت از آیات الهی، «أَنْتُمْ كَذِبْتُمْ أَنْتُمْ فَتَسِيئْتُمْ» باعث سقوط انسان به مرحله ای پست تر از حیوانیت می شود.

اما سؤال اصلی این است که بطور می توان از این غفلت جدا و دور شد؟ پاسخ اول این است که انسان به عاقبت غافلان ببندد و عاقبت آن ها را ببیند، چه در دنیا و چه مواردی که از عاقبت آن ها در قیامت بیان شده است، مثل کسی که برای دوری از اعتیاد به عاقبت شخص معتاد می نگرند و به خود نهییب می زند تا آن دوری کند. گام بعد، بررسی عوامل غفلت و سعی در جهت دوری از آن است. اولین عامل غفلت، دوری از دانایی و عرفان است. شناخت ذات دنیا انسان را از آن دور می کند و شناخت فلسفه زندگی و حضور انسان در این دنیا به انسان کمک می کند که بیشتر به سمت خدا و خوبی ها حرکت کند و یاد او باشد. امیرمؤمنان علی ^(ع) در این زمینه می فرماید: «إِنَّ مَنْ عَرَفَ الْإِيمَانَ لَمْ يُغْفَلْ عَنِ الْإِسْتِعْدَادِ». کسی که وضع روزگار و بی اعتباری دنیا را بداند. از آمادگی برای سفر آخرت غافل نمی شود. گاهی نعمت های مادی خدای بزرگ خودش می تواند برای کسی که ظرفیت آن را نداشته باشد، غفلت و طغیان ایجاد کند. امام سجاده ^(ع) در این باره فرموده اند: «إِنَّ قَسْوَةَ النَّظْفَةِ وَفَتْرَ الْمَيْلَةِ وَشُكْرَ الشَّيْخِ وَ عَزَّةَ الْمَلِكِ مِمَّا يُنْطَبُ وَ يُطْبَعُ عَنِ الْعَمَلِ وَ يَنْتَبِئُ الذِّكْرُ وَ يُلْهِي عَنِ اقْتِرَابِ الْأَجَلِ حَتَّى كَارُ الْمُبْتَلَى بِحَيْثُ الدُّنْيَا بِهَ حَيْثُ مِنْ شُكْرِ الشَّرَابِ». سنگدلی حاصل شکم پرستی و پرخوری، سستی میل به دنیا و مستی سیری و غرور حاکمیت، از اموری است که انسان را از عمل بازمی دارد و یاد خدا را به فراموشی می سپرد و او را از فکر نزدیک شدن آجل غافل می کند تا آنجا که گویی گرفتار حب دنیا، مست شراب است.

یکی از بزرگ ترین نعمت های خدا سلامتی و عافیت است که گاهی همین نعمت بزرگ عامل غفلت انسان از خدا می شود و گاهی خداوند این نعمت را از انسان می گیرد تا چشم های او باز شود و با یاد خودش بیاید.

در یکی از بیانات رسول خدا ^(ص) در حدیثی در فواید و برکات بیماری خطاب به سلمان فارسی هنگام عیادتش فرمودند: در موقع بیماری نعمت هایی نصیب می شود از جمله «أَنْتَ مِنَ اللَّيْذِ كَرٍ وَ دَعَاؤُكَ فِيهِ مُسْتَجَابٌ». تو به یاد خدا می آفتی و پرده های غفلت کنار می رود و به همین دلیل دعای تو به اجابت می رسد.

خداوند در چند صباح زندگی دنیا به همه ما کمک کند که بتوانیم غبار غفلت از دل های خود پاک کنیم و با یاد گران بهای او زندگی خوشی را آباد کنیم. ان شاء...

بزرگفته از خطبه های نماز جمعه مشهد
تنظیم: حجت الاسلام والمسلمین حسین ابراهیمی

هیئت کجا برویم؟

هیئت ذبیح العطشان

حسینیة کاشمری ها در کوجه شوکت الدوله را شاید بشناسید، هیئتی قدیمی است در خیابان خسروی مشهد و هرسال دهه اول محرم، شب ها روزه دارد. با حضور در این هیئت، زن و مرد با خیال راحت می توانند به عباداری بپردازند، چون حسینیة کودک فعالی نیز دارد و کودکان می توانند با فضای محرم آشنا شوند و خاطره سازی کنند و شما هم به عباداری تان برسید. استاد حسن قاسمی سخنران است و کربلایی حسین ذوقیان نیز مداحی می کند و دل ها را با خودش به کربلا می برد. این هیئت از ساعت ۱۰:۳۰ شب برگزار است.

هیئت متحده فاطمه الزهرا (س)

اگر در حوالی خیابان کلاهدوز- مجد خانه دارید و می خواهید هرشب دهه اول محرم را به صورت خانوادگی در روزه شرکت کنید، پیشنهاد می کنیم ساعت ۱۰ شب به چهارراه مجد بروید. کوجه مجد ۲۸ را پیدا کنید و خود را به سالن شهید محرابی برسانید. در این مکان دهه اول روزه برگزار است. با سخنرانی حجت الاسلام والمسلمین نطافت و می توانید از مداحی کربلایی هاشم طوسی و کربلایی ابراهیم دادوند حظ ببرید.

هیئت ارادتمندان قاسم بن الحسن (ع)

همه ما به امام حسین ^(ع) و خاندان پاکش ارادت داریم اما خب، هیئت ها شور و شیدایی خاصی با صاحب اسم خود دارند و هرکدام شیفتگی و ارادت متفاوتی به این آستان دارند. در حوالی خیابان گنبدسبز نیز ارادتمندان به قاسم بن الحسن ^(ع) هیئتی ارادتارک دیده اند و هر ساله در آن روزه برپا می کنند. این مراسم با سخنرانی حاج شیخ اسکندری و مداحی کربلایی محمدرضا محمدی و کربلایی مجتبی مهرانی در کوجه آخوند خراسانی ۱۹، مسجد بهمن، از ساعت ۲۲:۱۵ برگزار است.

بردار و بخوان

شماس شامی

پدر آگوست تینوس می گفت: «از یکی از سربازها پرسیدم مگر روی این دیوارها چه می بینید که این قدر شمارا پشیمان کرده است؟». سرباز بالکت می گوید: «اگر پیغمبر شما فرزندی داشت، با او چه می کردید؟». من مانده بودم که جوابش را چه بدم. سرباز نگذاند و هر ساله در آن روزه برپا می کند. این مراسم با سخنرانی در پشت دیوارهای دیر شما فهمیدیم که بوی بهشت برای همیشه بر ما حرام شده است.»

ما داستان را از زبان یک راوی می خوانیم که یک شخصیت فرعی به نام شماس (خدمتکار کلیسا) است. او از همراهان و محافظان مخصوص جالوت است. قهرمان داستان، جالوت، از نوادگان داوودنی ^(ع) است که به عنوان نماینده روم به درگاه یزید دعوت شده است. جالوت در محرم ۶۱ هجری به عنوان نماینده دربار روم، به بارگاه یزید، خلیفه وقت مسلمین، دعوت می شود. جالوت که ایداز فسق و ظلم و جور یزید و یزیدیان خیر ندارد، این دعوت را راحت قبول می کند. اما پس از حضور در شام، همان طور که به مرور از جزئیات آنچه در حسین و یارانش در دشت کربلا رفته است آگاه و آگاه تر می شود، در دل خود نفرت و بغض زیادی درباره یزید و همراهانش احساس می کند. تا جایی که سرانجام، در اقدامی جسورانه، در راستای خون خواهی شهدای کربلا، به مقابله با دستگاه ظلم یزید برمی خیزد، در حالی که به نیکی از عواقب این اقدام متهورانه آگاه است. او در ابتدا از ظلمی که بر حسین بن علی ^(ع) و اصحاب و اهل بیتش رفته است، ناگه آگاه است. ولی رفته رفته از جزئیات حادثه باخبر می شود و به مخالفت علنی با دستگاه بنی امیه برمی خیزد، تا جایی که در راه عقیده اش، تاوان سختی می دهد. دلیل پیشنهاد ما برای خواندن این اثر روان و داستانی آن است که زاویه دید جدیدی درباره واقعه کربلا پیدا کنید.



شهریار نیوز
SHAHIRANEWS.IR
۱۴
۱۳شنبه
۲ محرم ۱۴۴۴
شماره ۲۵۸۸

۱۴



یا ابا عبد الله الحسین
عاشورانه / منبر دوم / محرم ۱۴۴۴
//////

حسین سرباز ره دین بود
عاقبت حق طلبی این بود
از سرنی گفت سبط پیمبر
الله اکبر الله اکبر



ورود به خیمه گاه حسین (ع)

دوم محرم، روز ورود کاروان سیدالشهدا ^(ع) به کربلای معلی است

حجت الاسلام والمسلمین ابراهیم بهاری | روز دوم محرم برای همه آن هایی که در جلسات و هیئات حضرت حسین بن علی ^(ع) حاضر می شوند و مصائب اهل بیت ^(ع) را ذکر می کنند، روزی است که ورود به کربلا را می خوانند، روز دوم در محرم سال ۶۱ هجری قمری، حضرت ابا عبد... الحسین ^(ع) وارد خاک کربلا شدند.



فضیلت زمین کربلا

بدانید این زمین خیلی برتری دارد. در روایاتی آمده است که کربلا حتی بر کعبه هم برتری دارد، البته کربلا مثل کعبه، اعمال خاص ندارد، یعنی ممکن است جایی مقدس باشد اما اعمال و آداب واجب نداشته باشد، همان طور که حضرت خضر ^(ع) از جهاتی از حضرت موسی ^(ع) داناتر بود اما مردم موظف بودند پیرو حضرت موسی ^(ع) باشند.

امام سجاده ^(ع) فرمودند: «خداى متعال ۲۴ هزار سال قبل از اینکه زمین کعبه را خلق کند و آن را حرم قرار دهد، زمین کربلا را آفرید و آن را حرمی امن و مبارک گردانید و هرگاه خدا بخواهد کره زمین را بلرزاند و حرکت دهد (شاید کنایه از صحنه قیامت باشد)، زمین کربلا همراه با تربت درحالی که نورانی و شفاف است، بالای می برد و در بهترین باغ های بهشت قرار می دهد؛ جایی که در آن افرادی از جنس انبیای مرسل یا پیامبران اولوالعزم سکونت نمی کنند. این زمین در میان باغ های بهشت می درخشد. نور این زمین، چشم های اهل بهشت را تار می کند و با صدای بلند می گوید: «من زمین طیب و طاهر و مبارک هستم که سیدالشهدا ^(ع) و سرور جوانان اهل بهشت را در دل خود جای دادم.»

این روایت را مرحوم علامه امینی ^(ر) نقل کرده و بسیار مهم است، البته مرحوم ابن قولویه قمی هم در کامل الزیارات به این روایت اشاره

عرض ارادت

شاعران و مدیحه سرایان مسلمان در گوشه و کنار جهان به شوق و عشق سیدالشهدا ^(ع) و یارانش دست به قلم گرفته اند و با تمام حس و جان خود درباره واقعه کربلا نوشته و سروده اند و به آستان ائمه اطهار ^(ع) عرض ارادت کرده اند؛

چو از جان پیش پای عشق سر داد
سرش بر نی نوای عشق سر داد
به روی نیزه و شیرین زبانی!
عجب نبود ز نی شکرشانی
اگر نی پرده ای دیگر بخواند
نیستان را به آتش می کشاند
سزد گر چشم ها در خون نشینند
چو دریا را به روی نیزه بینند
شگفتا بی سروسامانی عشق!
به روی نیزه سرگردانی عشق!
ز دست عشق در عالم هیاهوست
تمام فتنه ها زیر سر اوست

قیصر امین پور

روضه بی بی



روزنامه نگار و پژوهشگر سیدمهرزاده

هنوز جهانمان گره خورده است به همان روزهای کودکی؛ به کوچهای قدیمی مشهد و رخت عزیایی که چند روز مانده به محرم روی درودیوار خانه ها نقش می بست؛ به بوی عطر جای روزه، اسپند روی زغال و روزه های دهه خانگی گوجه ها و محلات. شروع محرم و روزه های دهه اش - «روز موالی روزه خواندن - شور عجیبی به جمع خانواده ها می داد. همه خانواده از کوچک و بزرگ جمع می شدند تا این مراسم را به بهترین شکل برگزار کنند. در این میان هر کسی سهمی از این «روز روزه داشت. معمولاً خانه مادر بزرگ و بزرگ ترهای فامیل، پایگاه روزه های دهه بود. رسم یک دهه روزه خواندن چنان میان جمع های خانوادگی جان گرفته بود که با شروع ماه محرم و سفر و بدون دعوتنامه، همه از همسایه و فامیل تا آشنا می دانستند چه کسی در کدام دهه محرم روزه دارد، مثل دهه اول محرم و روزه حاج خانم. حوالی ساعت ۴ بعد از ظهر که بوی اسپند روی زغال تمام کوچهای محله جهان آرا بر می کرد، از چند روز قبل، سماور و قوری گل قرمز بزرگ هیئت از کنج انبار بیرون می آمد و با وسواس خاص شسته می شد. استکان و نعلبکی ها هم با همان ظرافت و حساسیت، شسته و داخل سید بزرگ کنار سماور چیده می شد. جدا از اتاق ها، تمام حیاط را فرش یهمن می کردند تا جمعیت از فضای داخل حیاط نیز استفاده کنند. تمیز کردن خانه، شستن حیاط و پهن کردن فرش و چیدن پشتی ها کنار دیوارها، از وظایف جوان ترها بود. همه تلاش ها برای آماده کردن مراسم روزه های دهه یک طرف، نصب کتیبه ها و پرده های بزرگ عرایک طرف. این کار با یک قانون نانوشته برعهده مردان جمع بود، کاری که با سفارش های ویژه بانوان خانواده انجام می شد تا هر کتیبه و پرچم با نظم خاص نصب شود. بچه ها و کوچک ترها هم از این روزه های دهه بی بهره نبودند. می دانستند که توزیع شیرینی جای روزه برعهده آن هاست. کوچک ترها با لباس سیاه و سربند های سبز یا زهرا ^(س)، یا حسین ^(ع) و... با ذوق بسیار و با فاصله کمی از فردی که سینی جای را می آورد، کار توزیع قند را برعهده داشتند. با ذوق چنان کاسه بزرگ قندان را دودستی میان دستان کوچکشان جای می دادند که گویی جهانی را به دست گرفته اند. هر کسی سهمی در این روزه ها داشت. هنوز گذرمان که به خیابان جهان آرا می افتد، بوی اسپند دود کرده و عطر جای روزه حاج خانم می آید، حتی الان که دیگر هیچ اثری از آن حیاط و ایوان نیست، باز هم صدای نوحه و روزه می آید، صدایی با سلام بر پرچم، سلام بر محرم.

مادر چون با گوشه زسری، اشکش را پاک می کرد و با چنان شوقی آش را هم می زد که انگار همه دنیا را در آن دیگ جای داده اند یا همان زمان که بوی خوش حلوا بلند می شد و با همه سرگرمی مان به بازی، هوش و حواس از سرمان می برد و باعث می شد ناخنک به بشقاب های تزئین شده بزنیم. شاید هم این عشق را اولین بار وقتی تجربه کردیم که بزرگ ترها برای ساکت کردنمان حین روزه خوانی، قندان و جعبه دستمال کاغذی را دستمان می دادند تا سرگرم پذیرایی شویم و حس بزرگ شدن و اثرگذار بودن را هم اولین بار در فضای روزه تجربه کنیم و چه مسابقه ای بود بین ما بچه ها برای اینکه کدامان کاسه قند بچرخانیم و کدامان کمانچاهای زیارت عاشورا را توزیع کنیم. صدای روزه که بلند می شد، ما بچه ها که هر زمان دیگری از دیدن اشک بزرگ ترها ساکت می شدیم، نه تنها از دیدن این گریه نمی ترسیدیم، بلکه در دنیای کودکانه خود دنبال راهی بودیم که اشک ما هم مثل مادرها جاری شود. روزه خوان، روزه ورود کاروان به کربلا را می خواند و ما هم با او دم می گرفتیم، هر دم به گوشه می رسید اوای رنگ قافله این قافله تا کربلا دیگر ندارد فاصله از کعبه گل آمده تا کعبه دل می رود. این کاروان غم فزا، منزل به منزل می رود و یک زن میان محملی، بر ناقه در تاب و تب است و عباس و اکبر دور او، این زن خدایا زینب است هر دم به گوشه می رسد اوای رنگ قافله

این قافله تا کربلا دیگر ندارد فاصله لحظه به لحظه می شود در آن غمش در دل فزون گوید حسینش زیر لب انا الله و ارجعون نغمه نمی گیرد نگاه از روی ماه قاسمش با اشک حسرت می زند شانه به موی قاسمش هر دم به گوشه می رسد اوای رنگ قافله این قافله تا کربلا دیگر ندارد فاصله در مهد آغوش رباب، رفته علی اصغر به خواب بوسد گلیوی ناز او، اما دلش در اضطراب وقتی رقیه پرده محمل به بالا می برد دل می برد از قافله، چون نام بابا می برد نمی دانم چه سیری در این قسمت روزه بود که ما با بزرگوش های همیشگی که به قول معروف یک لحظه آرام و قرار نداشتیم، اینجا می نشستیم، دلمان هوای بازی و سروصدا نمی کرد، محو تماشای گهواره خالی علی اصغر ^(ع) بودیم که با احترام بالای مجلس جا گرفته بود و از شنیدن غصه های رقیه ^(س) که هم سن و سال ما بود، چندر غصه دار می شدیم. معنای عاشورا را درک نمی کردیم و چیزی از مقام امام جاز اینکه انسان بزرگ و محترمی است، نمی دانستیم اما دوستش داشتیم، هنوز هم دوستش داریم و آن رفاقتی که بین ما و امام حسین ^(ع) در همان پیچی شکل گرفت، آن قدر ریشه دار شد که حالا این ماییم که نذر روزه مادر بزرگ را ادامه می دهیم. شاعر نوحه، استاد غلامرضا ساگار

معنی البکاء

اولین تجربه عاشقی



آرینه مستقیمه

اینکه اولین ها در یاد می مانند، جمله ای نیست که از سر تفتن و تجربه های معدود، شکل ضرب المثل به خود گرفته باشد، چون بسیاریند تجربه هایی که اولین مزه آن ها به قدری اثرگذار و شیرین است و زیر زبان ماندگار شده که هیچ طعم دیگری نتوانسته است به قول معروف آن شیرینی را بشوید و ببرد و جایش را بگیرد. اما اینکه این عشق دقیقاً برای اولین بار کجا حس شد و شعله کشید و دل ما را لرزاند که پس لرزه هایش هرگز ما را رها نکرد، هم مهم است. منصفانه که نگاه کنیم، بیشتر ما اولین بار این عشق را در روزه های خانگی مادر بزرگ تجربه کرده ایم، وقتی که کتیبه سیاه روی سردر آجری خانه می نشست یا همان زمان که دور شمعدانی های سرخی که دور تادور حوض نشسته بودند، رویان های مشکی بسته می شد. شاید هم وقتی که استکان های کمرباریک و قندان های پرقتند روی میز برپا شده جای کنار حیاط جاخوش می کردند و به ما بیشتر اجازه خاله بازی و مامان بازی را می دادند. شاید هم جرقه این عشق، اول بار کنار دیگ آش نذری روزه زده شد، وقتی